

حس خوب نویسنده‌گی

سیده ثنا ناصحی | الهام متقی فرد

زهرشاه نظر نژاد خالصی

کارشناس ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی



شکوفه نوشتن برای هر کس رنگی دارد اما برای من رنگین‌کمانی است که نه فقط در روزهای بارانی، بلکه در روشن‌ترین روزهایم هم در آسمانم می‌درخشد؛ و کتاب کوچک من، نهالی که آرزوی ثنای ۱۶ ساله بود، در نهایت شکوفه داده بود ... و من آن صبح، خوشحال‌ترین ثنا بودم.»

«حوالی آذرماه بود؛ تاریخ دقیقش را به یاد نمی‌آورم اما خاطرم هست شب روزی که قرار بود مقصد نمایشگاه کتاب شیراز باشد، چگونه گذشت. هیجان و اشتیاق خواب را از چشمانم فراری داده بود.

برای من این فردای خوب، یکی از بهترین روزهای زندگی ۱۸ ساله‌ام بود.



شاید باورتان نشود اما این سخنان دانشجویی است که از خاطرات زمان دانش‌آموزی خود می‌گوید؛ آری، ثنا را می‌گویم. از او خواستم به دفترچه خاطراتش رجوع کند و از احساسش از آن روزی بگوید که در نمایشگاه کتاب فارس، از کتاب تازه چاپ شده‌اش رونمایی شد.

از الهام، دوست و هم‌شاگردی ثنا که اکنون دانشجویست و دستی به قلم دارد و آن روز با خواندن قسمتی از نوشته‌هایش ثنا را در نمایشگاه کتاب همراهی کرد، نیز تقاضا کردم از احساسش از آن روز بگویم و او این‌گونه شرح داد:

«نه تاریخ آن روز را با خطی بزرگ‌تر میان تقویم جا گذاشته بودند و نه دایره ساعت‌های آن روز بزرگ‌تر بود اما نمی‌دانم چرا میان برگ دفترچه خاطراتم این‌گونه ثبت شد: «روزهای بزرگ، آدم‌های بزرگ، کارهای بزرگ می‌گذردند از روزهای کم تجربگی جوانی ما...»

یک جلد از مجله‌هایم را دستم گرفته بودم و آن گوشه‌ها نشسته به چهره خندان ثنا در کنار کتابش خیره شده بودم. صدای بچه‌ها در ذهنم دور و محو می‌شد و تمام عصرهای تابستانی کلاس داستان‌نویسی روبه‌رویم می‌نشستند و سداها در خاطر من پیچیدند ...

- متقی ... بذار برات یه امضا بزنم. تقدیم به الهام عزیز، / سیده ثنا ناصحی.

- قبول کن امضای من هنری‌تره. ببین ... آن لحظه، عصا تمام رویاهایی بود که روزی در دوردست‌ها بیفته بودیم و حالا روبه‌رویمان جوانه «سیدن» زده بودند.

دست قصه‌ها و شعرهایمان را گرفتیم و آن‌ها را از تنهایی خودمان و صفحه‌های خلوت کتاب‌ها و مجله‌ها به همان جا و همان لحظه بردیم. قصه‌هایمان شبیه پسریچه‌های تخس بالا و پایین می‌پریدند تا از میان صدای هیجان‌زده و خندانمان شنیده شوند.

و شنیده شدند و ما دستمان به میوه‌هایی که تنها در خیالمان طعمشان را چشیده بودیم، رسید.

و آن روز هم بعد از تمام همه‌ها و شلوغی‌ها باز هم در گوشه‌ای تکیه دادم و رویا بافتم؛ شاید یک روز دیگر میان آدم‌های دیگری دستم به رویاهایم برسد.

میوه‌های آرزو ولی رسیدنی است ...»

و این دو از احساسشان گفتند. حس و حالشان برایم جالب بود و شنیدنی ...

بسیاری از نویسندگان بزرگ از نوجوانی شروع به قلم‌فرسایی و نگارش کردند و دست آخر به چهره‌هایی جهانی تبدیل شدند. شاید اگر در مدرسه به درس نگارش دانش‌آموزان کمی جدی‌تر توجه کنیم و در آن‌ها انگیزه نوشتن به‌وجود آوریم، بتوانیم حس نویسندگی را در آن‌ها تقویت کنیم و آنان را یاری دهیم که روزی به همان نویسندگان بزرگ تبدیل شوند.

ناگفته نماند که در این بین، علاوه بر دبیر انشا نقش کتابدار آموزشگاهی نیز بسیار پررنگ است. یک کتابدار آموزشگاهی می‌تواند با معرفی منابع مناسب و به‌روز شامل کتب، مقالات و ... و در اختیار قرار دادن آن‌ها، آشنا ساختن دانش‌آموزان با شاهکارهای ادبی و غیره و نویسندگان بزرگ و تأثیرگذار و دعوت از این نویسندگان برای سخنرانی در کتابخانه مدرسه، در دانش‌آموزان انگیزه ایجاد کند و همچنین با تقویت روحیه نویسندگی و نویسنده شدن آنان را در پیمودن این مسیر یاری دهد.

از طرف دیگر، انجام دادن فعالیت‌هایی از قبیل تجلیل از دانش‌آموزان مؤلف و دعوت از آن‌ها (حتی اگر در مدارس دیگر باشند)، فراهم آوردن محیطی پرنشاط در کتابخانه و ایجاد دوستی بین دانش‌آموزان و کتابخانه، نیازسنجی جهت تهیه منابع مورد نیاز دانش‌آموزان در حوزه‌های مختلف به‌صورت منابع مرجع، غیرمرجع، نشریات، کتب چاپی، غیرچاپی و غیره، تسهیل دسترسی به منابع مورد نیاز، معرفی تازه‌های نشر، راهنمایی و مشاوره دادن به دانش‌آموزان مؤلف جهت چاپ متونی که نوشته‌اند به صورت کتاب و کتابچه یا درج در مجلات، معرفی کتاب‌های نوشته شده توسط دانش‌آموزان مؤلف در نشست‌های کتاب‌خوانی و برگزاری مراسم رونمایی و جشن امضا برای این کتاب‌ها و نیز برپایی نمایشگاه جهت عرضه و فروش آن‌ها، همچنین استفاده از کتب نوشته شده توسط دانش‌آموزان به‌عنوان منبع سؤال در مسابقات کتاب‌خوانی باعث تشویق هر چه بیشتر بچه‌ها می‌شود و در واقع، تمامی این موارد در سایه همت و پشتکار کتابدار آموزشگاهی شدنی است.

امیدواریم شاهد رشد و پیشرفت هر چه بیشتر نویسندگان نوجوان و دانش‌آموزان مؤلف در جامعه باشیم؛ افرادی که می‌توانند با نوشته‌هایشان تأثیرات بسزایی بر دیگران بگذارند و در آینده به نویسندگانی بزرگ تبدیل شوند.

بسیاری از نویسندگان بزرگ از نوجوانی شروع به قلم‌فرسایی و نگارش کردند و دست آخر به چهره‌هایی جهانی تبدیل شدند